



راشومون به نویسندگی و کارگردانی احسان عبدالملکی دارایی

غفلت‌های شرقی و ایرانی

درباره «ابلق» نرگس آبیار

یک فیلم ملتهب و چند لکت

### زنانه—مردانه

روز سوم جشنواره با یکی از بحث‌برانگیزترین فیلم‌ها که خیلی‌ها منتظر تماشای آن بودند، شروع شد. «ابلق» نرگس آبیار با استقبال بیشتری از مخاطب نسبت به روزهای قبلی مواجه شد که در ادامه به آن و فیلم «تک تیرانداز» علی غفاری نگاهی خواهیم انداخت.



رضا سامی منتقدسینما

■ ابلق: زنانه نه فمینیستی!

نرگس آبیار که از ادبیات داستانی به سینما پل زده با همه موافقان و مخالفان آثارش شاید مهم‌ترین فیلمساز زن دهه‌نود در سینمای ایران است که آثارش محل مناقشه وبحث‌های زیادی قرار گرفت. او به‌دلیل تجربه نویسندگی در زمان از ظرفیت بیشتری برای فیلمنامه نوشتن در مقام کارگردان برخوردار بود. با این حال آنچه اکنون در سینمایش مورد توجه قرار گرفته، شیوه اجرا و کارگردانی اوست. آبیار نشان داد در ساخت موقعیت‌های اکشن توانمند است و این برای یک فیلمساز زن امتیاز ویژه تری محسوب می‌شود. آبیار در «ابلق» به سراغ قصه‌ای از هم جنس های خود می‌رود تا یک درد پنهان زنانه را از زاویه‌ای آسیب شناختی روایت کند. در یک محله بشدت فقیرنشین تهران، بروز احساسات و تمایلات نامتعارف، سبب واکنش‌های متعصبانه می‌شود اما به نظر می‌رسد مصلحت اندیشی و میل به تداوم زندگی به هر قیمت بر غیرت و تعصب غلبه کرد تا زنی که از سوی یکی از اعضای خانواده مورد سوءاستفاده قرار می‌گیرد لب فروبندد و زخمی که بر روح و روانش وارد شده را پنهان و تحمل کند. فیلم با یک پس‌زمینه و در واقع ارجاع اجتماعی به جنبش می‌تو که به افشاشگری درباره آزارهای جنسی می‌پردازت ساخته شده و فیلمساز خود به واسطه زن بودن نسبت به این مساله دغدغه بیشتری هم دارد. با این حال او با وجود نگاهی که برآمده از دفاع از حقوق زنان است به قصه نگاه کرده بدون اینکه دچار رویکردهای فمینیستی و سوبه‌های رادیکال آن شود. آبیار تلاش می‌کند تا به دلایل فرهنگی و سنتی و اجتماعی ای بپردازد که موجب می‌شود زنی آزار و سوءاستفاده جنسی نسبت به خود را پنهان کند و به جای حقیقت تن به مصلحت‌گرایی دهد تا زندگی خودش و اطرافیان دچار چالش نشود. خوشبختانه آبیار سوار بر موج جنبش می‌تو نشده تا جذب مخاطب و فروش بیشتر فیلمش را تضمین کند. او تلاش کرده موضوع را در جهان شخصی خود و به مثابه یک تجربه دردناک و تلخ زنانه صورت‌بندی و روایت کند؛ روایتی که با صبر به بسط جزئی نگرانه درام می‌پردازد که گرچه نیمه اول فیلم را کمی طولانی می‌کند اما کاشت دقیق درام را برای برداشت‌های نهایی فراهم کرده و سوبه تحلیلی آن را برجسته می‌سازد. آبیار برای بازنمایی سوزه می‌توانست به سراغ یک زن مدرن روشنفکر از طبقه متوسط یا بالا برود اما او قصه خود را در بستر یک طبقه فقیرنشین روایت می‌کند تا آنها را صرفاً به‌دلیل رنج فقر از حیث اخلاقی تطهیر نکند و بر این نکته تأکید کند که ذایل اخلاقی را باید فارغ از طبقات اجتماعی جست‌وجو کرد. انتخاب طبقه فرودست جامعه به‌عنوان بستر اصلی داستان به بازنمایی برخی آسیب‌های دیگر مرتبط با سوزه اصلی هم کمک کرده و مخاطب را با خود همراه‌تر می‌کند. تعلیق درونی سوزه با تعلیق بیرونی روایت در هم آمیخته و التهاب قصه هم بر جذایت هیجانی فیلم می‌افزاید. بازی‌های خوب اغلب بازیگران بویژه هوتن شکیبا با گرمی سنگین و متفاوت که حتی تا دقایقی از ابتدای فیلم نمی‌توان او را شناخت، الناز شاکر دوست هم نشان داد با بازیگری را جدی‌تر گرفته و فیلم به فیلم در حال رشد است. بهرام رادان گرچه تلاش کرده در اینجا بازی درونی تری داشته باشد اما چهره شیک و مدرن او مناسب با نقشی از طبقه فقیر نیست و این باورپذیری نقش را کم می‌کند. ابلق فیلم پرکارا کتری است و فارغ از اینکه با جهان سینمایی و فکری فیلمساز موافق یا مخالف باشیم با فراز و نشیب‌ها و ریتم خوب آن همراه می‌شویم. ابلق از برخی عناصر و مؤلفه‌های نشانه شناختی استفاده می‌کند که کمی گل درشت است و لحن رئالیستی فیلم را دوگانه می‌کند. ابلق یک فیلم زنانه است نه فمینیستی که تلاش می‌کند در یک درام جذاب به آسیب شناسی تجربه‌های زنانه بپردازد.

■ **تک تیرانداز: ابرقهرمان**

علی غفاری که او را با فیلم «استرداد» با قصه‌ای از تاریخ معاصر به یاد می‌آوریم، این بار به سراغ شخصیتی از جنگ در تاریخ معاصر رفته تا روایتگر قصه شهید رسول زرین شود که به‌عنوان بزرگترین تک تیرانداز جنگی در تاریخ معاصر محسوب می‌شود. از این حیث فیلم کمی به فضاهایی رمبویی هم نزدیک می‌شود که در آن شخصیت سوپرمنی وجود دارد که یک تنه در برابر لشکری می‌ایستد و البته در برابر لشکر خودی نیز یک تنه کار یک گردان را می‌کند یا لشکری را نجات می‌دهد. فارغ از اینکه در حال تماشای یک فیلم جنگی هستیم، وجود کاراکتر تک تیرانداز به‌دلیل ویژگی‌های منحصر به فرد و مهارتی که دارد جاذبه برانگیز است و مخاطب را با خود همراه می‌کند. بازی کنترل شده و درونی کامبیز دیرباز در این نقش هم به جاذبه‌های فردی و شخصیتی رسول کمک کرده و همذات پنداری مخاطب را برمی‌انگیزد. شاید بتوان نقطه کانونی فیلم را خود کامبیز دیرباز دانست نه صرفاً به این دلیل که نقش اصلی و محوری فیلم را بازی می‌کند بلکه به دلیل جنس بازی اش که کاراکتری جذاب خلق می‌کند و تلاش می‌کند دچار برخی سانی مانثالیسم‌های رایج در ایفای نقش یک ابرقهرمان نشود. «تک تیرانداز» جنگ را از هر دو جبهه دوست و دشمن به تصویر می‌کشد و این روایت قرینه امکان قضاوت بی‌طرفی را برای مخاطب فراهم می‌کند. فیلم کاملاً بر مبنای بازنمایی نبرد به معنای فیزیکی آن ترسیم شده و صحنه‌های مرتبط با عملیات تک تیرانداز و دولتی که بین او و نیروهای دشمن اتفاق می‌افتد، هیجان ناشی از اکشن فیلم را تقویت می‌کند و این یکی از نکات مثبت و قابل توجه فیلم است. با این حال یکی از مشکلاتی که بویژه سیمای دهه شصت ما در این ژانر داشت و آن دست‌کم گرفتن با ساده انگاری نسبت به دشمن است در فیلم وجود دارد. همچنین خالهایی که در شخصیت پردازی، بازنمایی دشمن و بسط برخی صحنه‌ها و تصاویر فیلم از حیث میزانسن وجود دارد از جمله ضعف‌هایی است که تک تیرانداز از آن رنج می‌برد. با این حال تک تیرانداز را می‌توان واجد فضا و سوزه و لحن متفاوتی در سینمای دفاع مقدس محسوب کرد که یک نوع مستند داستانی پرتره نگارانه هم هست. در واقع فیلم دارد یک داستان و شخصیت واقعی را روایت می‌کند و این تأثیرگذاری آن را هم بیشتر می‌کند. ضمن اینکه شخصیت واقعی شهید زرین را هم که ناشناخته بوده به مخاطب معرفی می‌کند و روایت آشنایی از او دارد؛ روایتی که فارغ از ضعف‌های فیلمنامه‌ای یا افتخنگی‌های میزانسنی به‌دلیل جاذبه‌های فردی قهرمانش می‌تواند مخاطب را درگیر خود کند. شاید بتوان مهم‌ترین ویژگی تک تیرانداز را اکشن جنگی آن دانست که می‌تواند مخاطب را با ابرقهرمان خود همراه کند. فیلم، فیلم نبرد و همواردی است و توانمندی جنگی و جنگاوری را به تصویر می‌کشد.

**فیلم اولی موقعیت فیلم «مصلحت» را در این دوره از جشنواره چگونه ارزیابی می‌کنید؟**
سال‌های بسیاری است که در عرصه هنر نمایش تلاش کرده‌ام. در تئاتر بازیگر بوده‌ام. کار تدوین انجام داده‌ام. پشت صحنه فیلم‌های بسیاری بوده‌ام و فیلم کوتاه زیاد داشن بخواهد آن را مطرح می‌کنند و در مقابل ما منفعل عمل می‌کنیم. در حالی که باید بسیار موشکافانه به این قضیه نگاه کرد تا بدانیم و آگاه باشیم که کجای ماجرا ایستاده‌ایم. به همین دلیل برای از بین بردن آقای شفاهم‌ها باید خودمان دست به کار شویم. ساخت این فیلم انجام داده‌ام تا «مصلحت» من هم در این فیلم سعی کردم بخشی از نقدهایی را که در طول سال‌های گذشته وارد

است که نمی‌توان نگاه‌های سودجویانه و منفعت‌طلبانه که برخی با لباس انقلاب انجام می‌دهند را نشان داد. من به شخصه با این نگاه مخالف هستم. زیرا اگر ما ایرادات خود را نبینیم و خودمان را به نقد نکشیم، معاندین سراغ آن می‌روند و هر شکل که دلشان بخواهد آن را مطرح می‌کنند و در مقابل ما منفعل عمل می‌کنیم. در حالی که باید بسیار موشکافانه به این قضیه نگاه کرد تا بدانیم و آگاه باشیم که کجای ماجرا ایستاده‌ایم. به همین دلیل برای از بین بردن سوءتفاهم‌ها باید خودمان دست به کار شویم. من هم در این فیلم سعی کردم بخشی از نقدهایی را که در طول سال‌های گذشته وارد

مخاطب در طول فیلم نیز کمک می‌کند. ببینید فیلم «مصلحت» فیلم مربوط به درون گفتمان انقلاب اسلامی است و شکی ندارم که وقتی یک حکومتی به قدرت می‌رسد آدم‌ها به سمت قدرت سرازیر می‌شوند و همین‌طور شکی ندارم که خیلی از افراد بودند که در طول شکل‌گیری و پا گرفتن انقلاب اسلامی در ظاهر انقلابی‌گری وارد قدرت شدند و سوءاستفاده‌ها کردند و فقط در رأس قدرت بودن برای آنها مهم بود و با لباس انقلاب با سردادن شعارهای آرمان طلبانه ورود کرده و برای رسیدن به مقاصد خود تندروی هم می‌کنند. بحث آقا‌زادگی اکنون وجود دارد و این موضوع دغدغه مردم است. این در حالی

ساخت فیلم‌های سیاسی در سینمای ایران همیشه مناقشه برانگیز بوده است. زیرا به جای نقد درست و پذیرش کاستی‌ها، فیلم‌هایی از این دست دچار گرفتار نگاه‌های جناحی شده و در نهایت از مدار اعتدال خارج می‌شوند. به‌عنوان مثال می‌توان از فیلم «دیدن این فیلم جرم است» یاد کرد. فیلمی که گذشته از کم و کاستی‌ها و نقاط ضعف و قوت که در ساختار فیلم و فیلمنامه و کارگردانی داشت، به‌دلیل همین نگاه جناح‌بندی شده اساساً دیده نشد و دست آخر به فیلمی محفلی تبدیل شد. در جشنواره فیلم سی‌ونهم یک فیلم سیاسی دیگر به‌نام «مصلحت» به کارگردانی حسین دارابی و تهیه‌کنندگی محمدرضا شفا به نمایش گذاشته شده است. فیلمی که برخلاف نگاه‌های جناحی حرکت کرده و نقدی بر آنچه به‌عنوان مصلحت و تندروی در طول سال‌های گذشته همواره به‌شکل‌های مختلف مطرح شده، داشته است.

حسین دارابی به‌عنوان کارگردان جوان در نخستین فیلم خود سراغ ساخت فیلمی سیاسی، بدون ادعا و کم گو رفته تا بتواند آنچه را به‌عنوان عدالت همواره مطرح بوده است، بیان کند. این فیلم با کم و کاستی‌هایی که دارد اثری تمیز است که در جهت وفاق ملی حرکت می‌کند. این کارگردان جوان در گفت‌وگو با روزنامه ایران درباره چرایی ساخت این فیلم، موضوع مصلحت و تندروی سخن گفته است.

■ **ساخت فیلم سیاسی علاوه بر اشراف بر تاریخ معاصر نوعی دغدغه‌مندی را در فیلمساز ایجاد می‌کند که اگر این دغدغه نباشد اساساً فیلم جذاب و کارآمدی از آب در نمی‌آید. چرا سراغ ساخت فیلم سیاسی «مصلحت» به‌عنوان نخستین تجربه فیلمسازی سینمای بلند رفتید؟**
یکی از دغدغه‌های من در عرصه سینما ساخت فیلمی است که از دل تاریخ، حرف امروز را بیان کند و به گواه تاریخ در بین مسئولان و شهروندان نگاهی وجود دارد که به اسم مصلحت یا خودخواهی مسائل را پیش می‌بریم و متأسفانه تلقی افراد از مصلحت تلقی اشتباه و منفعت طلبانه است و باید بگویم این نگاه در طول تاریخ انقلاب اسلامی به چهره نظام و انقلاب آسیب زده و یکی از نقدهایی که همواره مطرح بوده وجود چنین نگاهی در دولت‌ها و در کل نظام جمهوری اسلامی ایران است. خب این موضوع همیشه ذهن مرا به خود مشغول کرده و اساساً تبدیل شد به یکی از دغدغه‌هایم زمانی که پیشنهاد ساخت فیلم «مصلحت» به من شد اما وقتی داستان اولیه را خواندم، جذب قصه شدم و معتمد برداختن به این موضوع برای خیلی از افراد جذاب خواهد بود و می‌تواند به عنوان حرف امروز جامعه مطرح شود. به نظرم فیلم «مصلحت» می‌تواند گره ذهنی‌ای که برای مردم در طول سال‌های گذشته ایجاد شده را باز کند. این در حالی است که مصلحت اندیشی اساساً خوب و عقلانی است اما متأسفانه یک عده تلقی نادرست و سوءبرداشت که منجر به سوء استفاده می‌شود از مصلحت دارند و قصه فیلم هم رفح این سوءبرداشت و سوءاستفاده را بیان می‌کند.

■

سینما اول باید برای مخاطب جذاب و سرگرم کننده باشد و بعد حرف یا پیامی را مطرح بکند. به همین دلیل سراغ این موضوع دغدغه‌مند که اساساً فراجناحی است، رفتم زیرا معتقدم هر آنچه فیلم را جذاب می‌کند باید در خدمت اثر باشد.

■ **انتقاد از تندروی به‌عنوان یک آفت اجتماعی یکی از نکات خوبی بود که در فیلم «مصلحت» بیان کرده بودید. طرح این موضوع علاوه بر افزودن به درام داستان در به چالش کشیدن**

■



متفاوتی به سال‌های اواخر دهه ۵۰ داشته باشم. به‌همین دلیل هر نتیجه‌ای از جشنواره بگیریم می‌دانیم که با همه توان کار کرده‌ایم. اما در نهایت باید بگویم که سعی کردم برای مردم فیلمی جذاب و سینمایی بسازم و اساساً مخاطب همیشه برای من در اولویت بوده است تا با حال خوب از سینما بیرون آید و در نهایت معتقدم تا اینجا ی راه هم به لطف خدا و عنایت او پیش آمدم.

بوده به تصویر بکشم که تندروی هم بخشی از آن بوده است. متأسفانه در بسیاری از موارد داشتن روحیه انقلابی‌گری یا تندروی اشتباه می‌شود. یک انقلابی واقعی اتفاقاً سعه صدر دارد. او در برخی از موارد هم تندروی می‌کند اما در برخی مواقع سکوت و در جاهایی حرف می‌زند و استدلال هم می‌کند.

■ **جشنواره سی و نهم با شرایط ویژه کرونا در حال برگزاری است. به‌عنوان یک فیلمساز**

است که افرادی بودند که پایمردی کردند و برای آرمان‌های خود جنگیدند و زندگی خود را بی چشمداشت هزینه کردند. به‌عنوان مثال می‌توان از حاج قاسم سلیمانی نام برد. این شهید سال‌های سال جنگید و کسی او را جز همین اواخر نمی‌شناخت.

■ **فکر می‌کنید موضوعاتی از این دست چرا در گذشته مطرح نشده است.**

نگاه کلیشه مدیریت فرهنگی این

حسین دارابی در گفت‌وگو با «ایران» از «مصلحت» گفته است

## انقلابی‌گری تندروی نیست

پریسا ساسانی

خبرنگار

ساخت فیلم‌های سیاسی در سینمای ایران همیشه مناقشه برانگیز بوده است. زیرا به جای نقد درست و پذیرش کاستی‌ها، فیلم‌هایی از این دست دچار گرفتار نگاه‌های جناحی شده و در نهایت از مدار اعتدال خارج می‌شوند. به‌عنوان مثال می‌توان از فیلم «دیدن این فیلم جرم است» یاد کرد. فیلمی که گذشته از کم و کاستی‌ها و نقاط ضعف و قوت که در ساختار فیلم و فیلمنامه و کارگردانی داشت، به‌دلیل همین نگاه جناح‌بندی شده اساساً دیده نشد و دست آخر به فیلمی محفلی تبدیل شد. در جشنواره فیلم سی‌ونهم یک فیلم سیاسی دیگر به‌نام «مصلحت» به کارگردانی حسین دارابی و تهیه‌کنندگی محمدرضا شفا به نمایش گذاشته شده است. فیلمی که برخلاف نگاه‌های جناحی حرکت کرده و نقدی بر آنچه به‌عنوان مصلحت و تندروی در طول سال‌های گذشته همواره به‌شکل‌های مختلف مطرح شده، داشته است.

حسین دارابی به‌عنوان کارگردان جوان در نخستین فیلم خود سراغ ساخت فیلمی سیاسی، بدون ادعا و کم گو رفته تا بتواند آنچه را به‌عنوان عدالت همواره مطرح بوده است، بیان کند. این فیلم با کم و کاستی‌هایی که دارد اثری تمیز است که در جهت وفاق ملی حرکت می‌کند. این کارگردان جوان در گفت‌وگو با روزنامه ایران درباره چرایی ساخت این فیلم، موضوع مصلحت و تندروی سخن گفته است.

■ **ساخت فیلم سیاسی علاوه بر اشراف بر تاریخ معاصر نوعی دغدغه‌مندی را در فیلمساز ایجاد می‌کند که اگر این دغدغه نباشد اساساً فیلم جذاب و کارآمدی از آب در نمی‌آید. چرا سراغ ساخت فیلم سیاسی «مصلحت» به‌عنوان نخستین تجربه فیلمسازی سینمای بلند رفتید؟**
یکی از دغدغه‌های من در عرصه سینما ساخت فیلمی است که از دل تاریخ، حرف امروز را بیان کند و به گواه تاریخ در بین مسئولان و شهروندان نگاهی وجود دارد که به اسم مصلحت یا خودخواهی مسائل را پیش می‌بریم و متأسفانه تلقی افراد از مصلحت تلقی اشتباه و منفعت طلبانه است و باید بگویم این نگاه در طول تاریخ انقلاب اسلامی به چهره نظام و انقلاب آسیب زده و یکی از نقدهایی که همواره مطرح بوده وجود چنین نگاهی در دولت‌ها و در کل نظام جمهوری اسلامی ایران است. خب این موضوع همیشه ذهن مرا به خود مشغول کرده و اساساً تبدیل شد به یکی از دغدغه‌هایم زمانی که پیشنهاد ساخت فیلم «مصلحت» به من شد اما وقتی داستان اولیه را خواندم، جذب قصه شدم و معتمد برداختن به این موضوع برای خیلی از افراد جذاب خواهد بود و می‌تواند به عنوان حرف امروز جامعه مطرح شود. به نظرم فیلم «مصلحت» می‌تواند گره ذهنی‌ای که برای مردم در طول سال‌های گذشته ایجاد شده را باز کند. این در حالی است که مصلحت اندیشی اساساً خوب و عقلانی است اما متأسفانه یک عده تلقی نادرست و سوءبرداشت که منجر به سوء استفاده می‌شود از مصلحت دارند و قصه فیلم هم رفح این سوءبرداشت و سوءاستفاده را بیان می‌کند.

■

سینما اول باید برای مخاطب جذاب و سرگرم کننده باشد و بعد حرف یا پیامی را مطرح بکند. به همین دلیل سراغ این موضوع دغدغه‌مند که اساساً فراجناحی است، رفتم زیرا معتقدم هر آنچه فیلم را جذاب می‌کند باید در خدمت اثر باشد.

■ **انتقاد از تندروی به‌عنوان یک آفت اجتماعی یکی از نکات خوبی بود که در فیلم «مصلحت» بیان کرده بودید. طرح این موضوع علاوه بر افزودن به درام داستان در به چالش کشیدن**

■